

«بعثت خون» آناتومی اجتماعی یک بدرقه باشکوه

«جوان» از بزرگ‌ترین تشییع جنازه‌های تاریخ تا پیش‌بینی‌ها درباره مراسم وداع با رهبر امت گزارش می‌دهد

شاید در حافظه بصری و عاطفی بشر، هیچ رویدادی به اندازه تشییع جنازه یک شخصیت بزرگ، توانایی نمایش لایه‌های پنهان قدرت، ایمان، غم و اراده یک ملت را نداشته باشد. می‌توان گفت تشییع جنازه، آن سوسی پنهان و در عین حال صادقانه قدرت را نمایان می‌کند، جایی که تظاهر به پایان می‌رسد و عمق نفوذ یک فرد در تار و پود جامعه آشکار می‌شود. این مراسم وقتی مردمی می‌شود دیگر، صرفاً یک آیین رسمی نیست، بلکه یک لحظه ناب جامعه‌شناختی است. در این لحظات، جامعه از حالت پراکنده خارج شده و به تعبیر امیل دور کیم، وارد یک جوشش جمعی می‌شود؛ حالتی که در آن، افراد از خودبیگانگی روزمره رها شده و با یک وجدان جمعی عظیم، پیوند می‌خورند. این گزارش تحلیلی به کالبدشکافی بزرگ‌ترین تشییع جنازه‌های تاریخ معاصر می‌پردازد و با تحلیل دلایل اجتماعی، عاطفی و سیاسی خیزش‌های میلیونی، به ویژه بر سه نقطه کانونی تاریخ ایران در تشییع جنازه امام خمینی (ره) و حاج قاسم سلیمانی متمرکز شده و در نهایت، بر آوردی جامعه‌شناختی از تشییع جنازه احتمالی رهبر شهید انقلاب، حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای و تأثیر آن بر جامعه ایران و منطقه خواهد پرداخت.

کالبدشکافی

تشییع جنازه‌های بزرگ جهان

برای درک عظمت آنچه در تاریخ معاصر ایران در حال رخ دادن است، ابتدا باید مقیاس جهانی این پدیده را فهمید. در اینجا به چهار نمونه تاریخی با رویکرد تطبیقی می‌نگریم.

یکی از نمونه‌های کلاسیک تشییع جنازه مربوط به ملکه ویکتوریا در سال ۱۹۰۱ است. هنگامی که ملکه ویکتوریا پس از ۶۳ سال سلطنت درگذشت، بریتانیا تصمیم گرفت یک نمایش باشکوه از نظم امپراتوری به راه اندازد. میلیون‌ها نفر در خیابان‌های لندن جمع شدند، نه لزوماً برای ابراز عشق به یک پرنزن، بلکه برای شرکت در مراسم تشییع خودِ بریتانای کبیر. رنگ لباس عزاداری که سفید و بنفش نمایشی به جای سیاه مطلق انتخاب شده بود نشان داد که این مراسم، یک سان نظامی برای نمایش قدرت است.

البته این تشییع، واکنشی به اضطراب پایان یک دوران بود. جامعه بریتانیا که از انقلاب صنعتی متلاطم شده بود، در این مراسم به دنبال ثبات می‌گشت. تأثیر آن، تثبیت احساسات مینهن پرستانه تا اخیر در فروپاشی روانی امپراتوری برای دو نسل بعدی بود. این مراسم به جامعه بریتانیا امیدواری می‌داد که آنها هنوز برتر هستند.

تشییع بعد مربوط به ولادیمیر لنین در سال ۱۹۲۴ است. در سرمای استخوان سوز ژانویه مسکو، صدها هزار کارگر و دهقان برای وداع با پدر انقلاب بلشویکی صف کشیدند. نکته شگفت‌انگیز نه جمعیت، که تداوم آن بود. مردم حاضر بودند در سرمای ۳۰- درجه ساعت‌ها بایستند تا جسد مومیایی شده رهبرشان را ببینند. دلیل اجتماعی این اتفاق این بود که لنین در زمان مرگ، تازه انقلاب را از جنگ داخلی نجات داده بود. مرگ او خلأاً ایدئولوژیکی ایجاد کرد که می‌توانست به فروپاشی منجر شود، ولی این تشییع جنازه و مومیایی کر ن‌بعدی، یک استعاره بود که انقلاب هرگز نمی‌میرد. جسم لنین در این مراسم به متن مقدس شوروی تبدیل شد و جامعه در وداع طولانی با جسد او، وفاداری خود به سیستم را اعلام می‌کرد. این تشییع جنازه، طبقه حاکمه را در برابر رقیب داخلی بیمه کرد.

مراسم بعدی مربوط به تشییع جنازه جان اف کندی است. تشییع جنازه سی و پنجمین رئیس‌جمهور امریکا در واشینگتن، مرزهای رسانه‌ای را شکست. این مراسم با حضور سران ۹۲ کشور، اولین تراژدی جهانی تلویزیونی بود. تصویر پسر سه‌ساله کندی که به تاپوت پدر سلام نظامی می‌دهد، به یک الگوی در ناخودآگاه غرب تبدیل شد. دلیل اجتماعی شاید این بود که کندی نماد روح جوانی و پیشرفت در امریکا یس از جنگ جهانی دوم بود و ترور ناگهانی او، جامعه امریکا را دچار شوک از دست دادن معصومیت کرد. در این شرایط تشییع جنازه، جایی برای تخلیه روانی آن شوک بود. البته تأثیر اجتماعی آن دوگانه بود، از یک‌سو انسجام ملی بی‌سابقه‌ای ایجاد کرد و مشروعیت دولت مرکزی را تقویت کرد، اما از سوی دیگر بذر تئوری‌های توطئه و بی‌اعتمادی به ساختارهای امنیتی را کاشت که تا به امروز در سیاست امریکا زنده است. همچنین این مراسم نشان داد که رسانه می‌تواند به مثابه یک مراسم بزرگ عزاداری عمل کند.

از نمونه‌های نزدیک‌تر تشییع جنازه‌های بزرگ مربوط به پرنسس دایانا در سال ۱۹۹۷ است. لندن باز دیگر در این سال شاهد سیل جمعیت بود، اما این‌بار مردم گریه نمی‌کردند، بلکه خشمگین بودند. تشییع جنازه دایانا با ۲/۵ میلیون نفر در خیابان‌ها و ۲/۵ میلیارد بیننده تلویزیونی، یک کودتای عاطفی علیه خاندان سلطنتی بریتانیا بود. عدم پرچم برافراشته بر فراز کاخ باکینگهام، به نماد بحران مشروعیت سلطنت بدل شد، در حالی که مردم شمار ملکه بی‌روح می‌دادند. دلیل اجتماعی این اتفاق این بود که دایانا یک خدمتدا



مراسم تشییع جنازه امام خمینی در تهران

تشییع جنازه امام خمینی در تهران

تشییع جنازه امام خمینی در تهران

تشییع جنازه در ایران سنتی بود. جامعه مدرن بریتانیا با دیگر نقاط دنیا متفاوت است. مرگ در اینجا وقتی به شهادت می‌رسدنه تنها پایان نیست بلکه تشدید حضور است. تشییع حاج قاسم ثابت کرد که در ایران وقتی مسئله به امنیت ملی گره‌می‌خورد شکاف‌های سیاسی می‌میرند

تشییع جنازه امام خمینی در تهران

در قلب یک نهاد سنتی بود. جامعه مدرن بریتانیا که از سردی و اشرافیت خانواده سلطنتی خسته شده بود، در مرگ زنی که او را شاهزاده مردم می‌نامیدند، علیه سیستم قیام کرد. تأثیر این تشییع، اجبار خاندان سلطنتی به رفتار انسانی بود. الیزابت دوم برای اولین بار، مجبور شد در برابر تاپوت دختری که طلاق داده بود تعظیم کند. این مراسم نشان داد که تشییع جنازه می‌تواند قدرت را از نهادهای انتصابی بگیرد و به مردم منتقل کند.

بزرگ‌ترین بدرقه تاریخ

تشییع جنازه در ایران، اما متفاوت است. در فرهنگ شیعی، آیین‌های مرگ ذاتاً با آیین‌های زندگی و مخصوصاً قیام عاشورا گره خورده است. مرگ در این فرهنگ، مخصوصاً وقتی با شهادت باشد نه تنها پایان نیست، بلکه تشدید حضور است. همین پیشینه تاریخی و مذهبی، تشییع جنازه‌های ایرانی را به پدیده‌های هستی‌شناسانه بدل می‌کند.

در خرداد ۱۳۶۸، ایران زخم خودرده از جنگ، با بزرگ‌ترین سوگ خود، یعنی رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی مواجه شد. براساس داده‌های ثبت‌شده در گینس، حدود ۱۰/۲ میلیون نفر در مراسم تشییع امام خمینی(ره) حضور داشتند. هلیکوپترهای نظامی از میان دره‌ای بی‌پایان عزادارانی پرواز می‌کردند که هر چند در گرمای خرداد بی‌هوش می‌شدند، اما دست از امام خود بر نمی‌داشتند. آندر این رویداد عظیم بود که مسئولین مراسم مجبور شدند با تهییدات امنیتی شدید، پیکر را در محفظه‌های محافظت شده، به سمت بهشت زهرا حمل کنند. این اتفاقات دلایل اجتماعی و عاطفی در میان ایرانیان دارد که یکی از آنها نوع رابطه ملت ایران با امام خمینی(ره) بود.

این رابطه نه‌ فقط رابطه مرید و مرادی بلکه رابطه فرزندانی است که پدر خود را از دست داده بودند. مرگ امام خمینی(ره) نه یک فقدان سیاسی که یک فقدان وجودی بود و یک ملت احساس بیسی می‌کردند. این تشییع جنازه ۹ ماه بعد از پایان جنگ هشت ساله اتفاق افتاد. جامعه ایرانی هشت سال دفاع مقدس را در حالی به پایان رساند که رهبر امت آن را نوشیدن جام زهر نامیده بود و مدتی بعد مردم تأثیر نوشیدن آن جام زهر را بر رهبر ساده‌زیست و فداکار خود شاهد بودند. بنابراین این تشییع جنازه، به آیین جمعی و نقطه عطف حماسه‌ه آغاز مرحله‌ای دیگر در نظام جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد. در این میان اقدام شگفت‌انگیز مجلس خیرگان که در میان آن طوفان، توانست آیت‌الله خامنه‌ای را انتخاب کند و انتقال آرام قدرت در نظام جمهوری اسلامی ایران محقق کند نیز معجزه آن تشییع جنازه بود. آن حجم از همستگی عمومی، موجب شد در حالی که براندازان چمدان‌های خود را برای سفر ایران بسته بودند و امیدوار بودند با

جامعه

سرویس اجتماعی، ۶۰۰۸۵۳۳



مراسم تشییع جنازه امام خمینی در تهران

تشییع جنازه امام خمینی در تهران

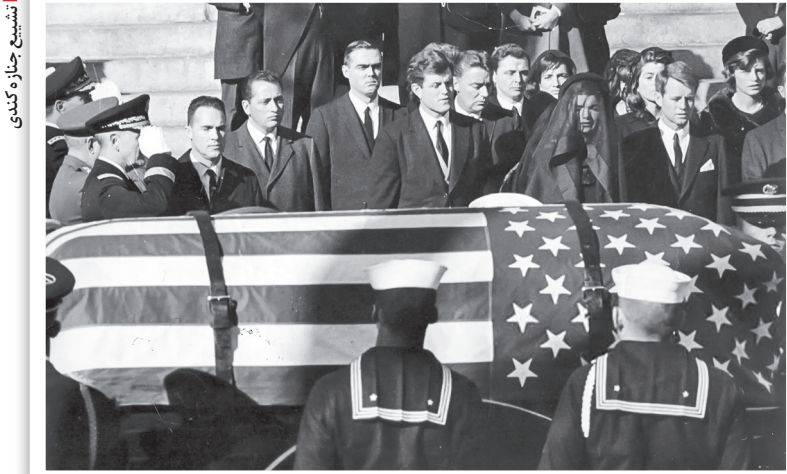
تشییع جنازه امام خمینی در تهران



تشییع جنازه امام خمینی در تهران



تشییع جنازه امام خمینی در تهران



تشییع جنازه امام خمینی در تهران

تشییع حاج قاسم

نمود امام خمینی(ره) میان جناح‌های سیاسی ایران شکاف ایجاد شود و جمهوری اسلامی فرو بپاشد، اما مردم با حضور بی‌نظیر خود این خیال خام را به باد دادند و پیکر امام، پل وحدت شد. در میان تشییع‌کنندگان امسام توجوانانی حضور داشتند که تازه در حال آشنایی با فضای سیاسی کشور بودند و این مراسم عملاً آنها را با یک خاطره جمعی بسیار بزرگ روبه‌ر کرد که تا دهه‌های بعد نیز برای آنها باقی ماند و همین‌ها نسل سیاسی آینده ایران شدند. این تشییع، اولین تجربه عینی تشییع سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی نیز در کنار اشک روانشان گذاشت. پیوند عاطفی با ولایت، نه از کتاب و مجالس، بلکه از اشک‌های ریخته شده در روزهای خرداد داغ ۶۷ تهران شکل گرفت.

۶۶

امریکا، اسرائیل و غرب می‌دانند که تشییع یک ولی فقیه ترور شده، معادل با زدن دکمه فعالسازی سلول‌های خفته در میان مجاهدان جهانی مقاومت است. این واقعه، جنبش‌های ضد صهیونیستی در اروپا و آمریکای لاتین را رادیکالیزه می‌کند

عراقی‌ها بیریق‌های گروه‌های مقاومت به خیابان‌ها آمندند تا برای انتقام اعلام آمادگی کنند. تعداد تشییع‌کنندگان در اهواز، مشهد، تهران، قم و کرمان به شکل باورنکردنی افزایش پیدا می‌کرد و برآورد جمعیت تشییع‌کننده در این شهرها از ۲۵ میلیون نفر فراتر رفت. جمعیتی که در تشییع امام لباس سیاه پوشیده بودند، این بار عکس سلیمانی را در دست داشتند و شعار انتقام سر می‌دادند. یکی از دلایل اجتماعی خارق‌العاده شدن این تشییع جنازه این بود که برخلاف امام که به مرگ طبیعی رحلت کردند، شهید سلیمانی به دستور دونالد ترامپ، منفورترین چهره در افکار عمومی ایران به شهادت رسید. همزمانی اقتدار و مظلومیت شهید سلیمانی، در کنار قداست مذهبی از ایشان یک اسطوره ساخت. جوانی که شاید به نظام سیاسی کشور نیز نقد داشت، ترور فرمانده کشورش را توهین به ایران تلقی کرد و شهید سلیمانی در آن لحظه دیگر فقط فرمانده سپاه قدس نبود، بلکه ابروی ملی ایرانیان بود.

از سوی دیگر حاج قاسم یک فرمانده کلیشه‌ای پشت میز نشین نبود. تصاویر منتشر شده از او با لباس خاکی، چغیه و چهره آرام، یک برند انسانی خلق کرده بود. در حالی که جامعه از میدان دور از دسترس خسته است، شهید سلیمانی، اما قهرمانی بود که در سنگر می‌خوابید. ایران تنها یک ماه قبل از ترور ناجوانمردانه شهید سلیمانی، بحران شدید اعتراضات بنزینی را پشت سر گذاشته بود که در هر صورت موجب شکاف دولت و ملت شده بود در این میان مراسم تشییع حاج قاسم، یک مرهم فوق‌العاده بر این زخم بود. این مراسم، جامعه را از استانه یک شکاف خطرناک بازگرداند و یک وحدت ملی ایجاد کرد که حتی براندازان نیز نتوانستند آن را انکار کنند.

از سوی دیگر تشییع حاج قاسم ثابت کرد که در ایران، وقتی مسئله به امنیت ملی و حیثیت فرامزی گره می‌خورد، شکاف‌های سیاسی می‌میرند، این تشییع، نظرسنجی‌های اجتماعی را منسوخ کرد و نشان داد که وجدان جمعی زیر پوست شهر زنده است. از سوی دیگر آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای پیش‌بینی‌ها مربوط به تحلیل اتفاقی پیش از وقوع است که بر اساس دینامیک‌های تاریخی و نشانه‌های جامعه‌شناختی می‌توان آن را ترسیم کرد. و بر همین اساس می‌توان پیش‌بینی کرد که ایسن وداع، مادر تمام تشییع جنازه‌های تاریخ معاصر خواهد بود. این مراسم تشییع، نه تنها پارامترهای اجتماعی تشییع‌های قبلی را دارد، بلکه موارد بسیار دیگری نیز دارد که بر اهمیت آن خواهد افزود. اگر امام، بنیانگذار انقلاب بود، آیت‌الله خامنه‌ای معمار تثبیت است. طول دوران رهبری ایشان بیش از ۳۵ سال از مجموع دوران مدیریت بسیاری از رهبران بزرگ تاریخ طولانی‌تر است. ایشان رهبری جامعه‌ای را بر عهده داشتند که از دل فتنه‌های داخلی، جنگ تحمیلی اقتصادی و طوفان‌های امنیتی عبور کرده است. در عمق روان جامعه ایران، ایشان دیگر نه یک منصب، بلکه تبدیل به یک اصل بدیهی جمهوری اسلامی بدل شده بودند.

در تشییع امام، نسل اول انقلاب پدر خود را از دست داد. در تشییع رهبر شهید، نسل دوم و سومی هستند که حافظه خاطره پدران خود را از دست داده‌اند. آیت‌الله خامنه‌ای برای ایرانیان، تجسم زنده پیوند میان جنگ و سیاست، تلاش و مقاومت و دین و دولت است. شهادت ایشان، حتی برای منتقدان، به معنای فروپاشی یک دوره تاریخی در ایران است و حتی قابل پیش‌بینی است کسانی که امروز به نظام نقد دارند، در زمان تشییع، حداقل در ماتم پایان یک عصر شرکت خواهند کرد.

از سوی دیگر برخلاف سال ۶۸ که امام به مرگ طبیعی و در بستر بیماری رحلت کردند، با شهادت رهبر انقلاب، حس مظلومیت و انتقام خواهی که در تشییع شهید سلیمانی دیدیم، در مقیاس یک کشور، ۹۰ میلیونی فوران خواهد کرد. دشمن خارجی با ترور رهبر انقلاب، بزرگ‌ترین اشتباه محاسباتی تاریخ خود را مرتکب شد، زیرا ملتی را که از اقتصاد گلهمند بودند، به ملتی تشنه انتقام بدل کرد و تشییع امامی که بر اثر ترور به شهادت رسیده، نه یک عزاداری متغعل که یک مانیفست خشم است.

در این شرایط با نگاهی به تشییع ۱۰ میلیونی امام راحل و ۲۵ میلیونی شهید سلیمانی، شهادت رهبر انقلاب، با توجه به ضریب نفوذ رسانه‌ای، افزایش جمعیت ایران و قابلیت دسترسی حمل و نقل، پیش‌بینی حضور ۱۵ تا ۲۰ میلیون نفری در تهران و میلیونی در شهرهای بزرگ (قم و مشهد) تنها یک پیش‌بینی محافظه‌کارانه است. در این میان هر چند تشییع رهبر شهید انقلاب آگاهانه و سازمان‌یافته‌تر از سال ۶۸ خواهد بود، اما از نظر شدت هیجان، کنترل ناپذیرتر است، زیرا نه تنها فرهنگ سوگواری سیاسی در این ۳۵ سال در ایران به شدت تکامل یافته است و شاهد ابداع آیین‌های جدیدی شامل سرودهای حماسی خیابانی تا حرکات نمادین موکب‌هایی از تمام استان‌ها به سمت پایتخت با الگوبرداری از پیاده‌روی اربعین هستیم، بلکه مطالبه انتقام رهبر شهید انقلاب هرگونه اهمال در این خصوص را غیرقابل پذیرش خواهد کرد.

در هر صورت این مراسم یک فراندوم ضمنی نیز به شمار می‌آید. مردم ایران دیگر نه تنها می‌آیند تا بر ضرورت انتقام رهبر شهید انقلاب تأکید کنند، بلکه می‌آیند تا با جانشین او برای ادامه این مسیر تجدید بیعت انجام دهند و تثبیت رهبر جدید انقلاب نه فقط با آرای نمایندگان مجلس خبرگان بلکه با حضور میلیون‌ها تشییع‌کننده انجام می‌شود. این جمعیت، بعد از تشییع امام شیعیان‌های مذهبی و قانونی به رهبر معظم انقلاب مشروعیت عاطفی و قلبی می‌بخشد و اعلام بیعتی تاریخی برای تبعیت از فرامین ایشان را به منصفه ظهور می‌گذارد.

در این مِسْبان جوانانی که دهه هشتادی‌ها آیت‌الله خمینی فضای نسبتاً غیرسیاسی یا منتقد گذرانده‌اند، ناگهان با یک رویداد حماسی مواجه می‌شوند. شهادت ناگهانی نماد، آنها را به متن تاریخ پرتاب می‌کند. همانطور که نسل دهه شصتی‌ها در تشییع امام سیاسی شدند، این نسل نیز در شوک از دست دادن رهبر شهید انقلاب که امنیت را برایشان تضمین کرده بود، به نیروی ذخیره انقلاب بدل خواهند شد. تکان اجتماعی که روخت و انفعال را از میان این نسل می‌برد.

مراسم تشییع و تأثیر آن بر نظم منطقه‌ای و بین‌المللی

در مقیاس منطقه‌ای، تشییع حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، چیزی فراتر از تشییع یک رئیس حکومت است، ایشان مراد محور مقاومت و پدر امت هستند. جهان اسلام اهل سنت و شیعه، برای وداع با رهبری که پرچمدار مبارزه با اشغالگری و عادی‌سازی روابط با اسرائیل بود، به با خواهند خاست.

همانطور که شاهد بودیم پس از شهادت ایشان در شهرهای مختلف منطقه و دنیا از شرق تا غرب مراسم‌های مختلفی در بزرگداشت و اعلام آمادگی برای گرفتن انتقام ایشان برگزار شد اکنون قرار است مراسم‌هایی نیز در بغداد و نجف و کربلا برگزار شود که پیش‌بینی حضور میلیونی عراقی‌ها در آن دور از ذهن نیست. این مراسم تشییع، نه صرفاً رزمایش وفاداری به پدر امت است، بلکه ملت‌های منطقه با این کار به دشمن نشان می‌دهند که با ترور فرمانده، تشنه مقاومت فلج نشده، بلکه عصبانی‌تر و متمرکزتر شده‌اند.

امریکا، اسرائیل و غرب می‌دانند که تشییع ولی فقیه ترور شده، معادل با زدن دکمه فعالسازی سلول‌های خفته در میان مجاهدان جهانی مقاومت است. این واقعه، جنبش‌های ضد صهیونیستی در اروپا و امریکای لاتین را رادیکالیزه می‌کند. از منظر دیپلماسی عمومی، ایران در این مقطع، صاحب بالاترین سطح همدردی در افکار عمومی جهان اسلام و جهان جنوب است. نفوذ ایران نه از طریق دل‌راهی نغتی که از طریق قدرت نرم شهادت گسترش یافته و این همان پدیده‌ای است که در تشییع شهید سلیمانی نمونه کوچک آن را دیدیم و آن تبدیل خون شهید به سلاح مقاومت است.

سخن آخر

تشییع جنازه‌های تاریخی، ویرترین نهایی تمدن‌ها هستند. بریتانیا با تشییع ویکتوریا، نظم امپراتوری را جشن گرفت و با تشییع دایانا، به توبه نشستی. امریکا با کندی، مصومیتش را به خاک سپرد و شوروی با لنین، کیش شخصیت را ابداع کرد، اما در سپهر ایران، این مراسم فیزیک قدرت را تغییر می‌دهد. تشییع امام خمینی(ره) بنیان نظام را به جامعه جوش داد و تولد رهبری جدید را تضمین کرد. تشییع شهید حاج قاسم سلیمانی، شکاف‌های اجتماعی را ترمیم کرد و اندام‌واره مقاومت را از فروپاشی روانی نجات داد.

حال، تشییع حضرت آیت‌الله العظمی شهید سیدعلی خامنه‌ای، قرار است به بزرگ‌ترین گردهمایی انسانی قرن بیست‌ویکم بدل شود. این نه یک پایان، که یک نقطه عطف بزرگ است. در این لحظه، جامعه ایرانی ثابت خواهد کرد که نظام سیاسی‌اش یک موجودیت زنده و ریشه‌دار است و نه یک ساختار حزبی آسیب‌پذیر. این تشییع، مدرسه بقا خواهد بود. جامعه ایرانی نشان خواهد داد چگونه فقدان را به فرصت، و عزا را به حساسه بدل می‌کند. مقاومت نیز نشان می‌دهد که این محور، آرمان محور است نه شخص محور و به دشمن می‌آموزد که ترور رهبران، معادل است با زدن جرقه در انبار باروت. اگر دشمن نادان، حماقت ترور را مرتکب شود، میلیون‌ها انسانی که پیکر مطهر ایشان را بر او دوش می‌کشند، حکم تاریخ را صادر کرده‌اند که این راه را محکم‌تر، خشن‌تر و مصمم‌تر ادامه خواهند داد. وداع با خلف صالح روح‌الله، تولد دوباره یک ملت در آتش خشم انتقام خواهد بود.

مصطفی تهران آماده بدرقه رهبر انقلاب

تشییع جنازه امام خمینی در تهران

تشییع جنازه امام خمینی